

سونامی ارتجاع در خاورمیانه

فرهنگ قاسمی



در نوشته های گوناگون از جمله مقاله " ملیت ایرانی " گفته بودم تغییراتی در وضعیت خاور میانه در کار است. با حوادث غزه و داعش به نظر میآید که بخشی از این تغییرات شدت یافته باشد. اما قابل تصور نبود که به این شدت تفکرات ارتجاعی که مخالف با جامعه مدرن میباشند توانسته باشد نه تنها در خاورمیانه بلکه در بسیاری از کشورهای اروپایی و حتی آمریکا رشد نماید. بردهداری به طور مشخص اعمال گردد و حقوق زنان به این شدت زیر پا گذارده شود جای ملایمت و انسانیت را آدمکشی بگیرد استدلال و مذاکره فدای زورگویی و قدرت نمایی گردد.

خاورمیانه این روزها در آتش جنگ میسوزد و معلوم نیست فردا از ویرانه های بعد از جنگ که حاصل سازش های قدرتهای جهانی و نظام های ارتجاعی منطقه که با قدرت مالی خود آرایش جدیدی را در جهان پی میریزند چه وضعیتی تازه ای در انتظار مردم این منطقه باشد.

جمهوری اسلامی ایران تضعیف شده در اثر تحریم های اروپا و آمریکا که در لابلای چرخ و دنده های مذاکرات اتمی گیر کرده است در اثر سیاست های غلطش کشور ایران را در وضعیت بسیار خطرناک قرار داده است.

حماس که خود یکی از ارتجاعی ترین و وابسته ترین گروه های فعال در فلسطین می باشد در واقع تمام کوشش خود را برای برتری خود در فلسطین متمرکز کرده است. این تشکیلات نظامی - سیاسی که در واقع از دین به عنوان یک ابزار برای رسیدن به قدرت استفاده می کند دست به اشتباه زد که اسرائیل توانست از آن برای خود بعنوان قربانی غافلگیر شده آید استفاده کند که برای مردم فلسطین خسارت بسیار به بار آورد. محافل بین المللی و ارباب روابط جمعی که غالباً زیر نفوذ منابع و شخصیت های اسرائیلی و همینطور صهیونیستی هستند به اندازه کافی در انتقال اطلاعات تعادل به خرج ندادند و زمینه را برای اشغال نظامی کرانه باختری، محاصره اقتصادی غزه و اشغال بخش وسیعی از اراضی آن مهیا ساختند.

کشور عبری و صهیونیست های اسرائیل در رأس آنها بنیامین نتانیاهو که با ریختن خون مردم فلسطین و با سیاست های استعماری نظام

اسرائیل که از بدو تأسیس خود به دنبال تسخیر سرزمین فلسطین است یک بار دیگر در جهش کرده تا طرفه خود را از سرزمین های مردم بی پناه فلسطین ببندد. اگرچه در این روزها در اثر آتشبس صلح موقتی بین طرفین برقرار شده است اما طی پنجاه روز گذشته بیش از دو هزار نفر از مردم فلسطین که اکثریت آن را کودکان بی‌گناه تشکیل می‌دهند توسط بمباران‌های ارتش این کشور از پای درآمدند و هزاران نفر بی‌خانمان شدند. نظام صهیونیستی اسرائیل باز نشان داد که یک انسان اسرائیلی با یک انسان عرب برابر نیست. در درگیری‌های نظامی، در برابر کشته شدن یک شهروند اسرائیلی باید دهها و شاید صدها عرب کشته شود تا برای اسرائیل تعادل برقرار شود. شدت ستمکاری‌ها بدانجا می‌رسد که بیش از سیصد یهودی که از هولوکاست جان سالم به دربرده‌اند یا از فرزندان و نوادگان نجات‌یافتگان از هولوکاست هستند، در نامه‌ای سرگشاده، حمله‌های اسرائیل به مردم فلسطین را یک "نسل‌کشی" خوانده‌اند. آنها اسرائیل را متهم کرده‌اند که به دنبال "نابود کردن غزه" و قتل بیش از دو هزار فلسطینی بوده است و نوشته‌اند: "هیچ چیزی نمی‌تواند توجیه‌گر بمباران پناهگاه‌های (تحت حمایت) سازمان ملل متحد، خانه‌های مسکونی، بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها باشد."

جنبش آزادی‌خواهانه مردم سوریه علیه اسد به یکی از ارتجاعی‌ترین پایگاه‌های نظامی سال‌های اخیر برای برهم زدن نظم خاورمیانه تبدیل گردید و آن جنبش در ابتدا سالم در اثر سازش‌های قدرت‌ها خفه شد و زمینه برای ارتجاع مذهبی فراهم آمد. آنچه که امروز در عراق می‌گذرد حکایت از این دارد که بخشی از ادعاهای متمدنانه جامعه بشری درست نبوده و باید زیرسوال قرار گیرند. زیرا با زایش داعش هیولایی از شیشه اسلام ارتجاعی رها شد تا مردمان بی‌گناه مناطق مختلف عراق را بی‌خانمان و آواره کند و هزاران هزار نفر را به کشتن بدهد. بار دیگر نشان داده شد که تبعیض و ارتجاع دو روی یک سکه‌اند. هر جا که ارتجاع باشد تبعیض نیز وجود دارد. این تبعیض است که با زدن دست رد به سینه دگراندیشان به ارتجاعی‌ترین اعمال تن می‌دهد و از کشتارها دسته جمعی انسان‌های بی‌گناه و تجاوز به زنان و کودکان و به برده گرفتن آنان هیچ ابایی ندارد. سیاست بمیر یا فرار کن که در همه نظام‌های آدمکش از آنجمله جمهوری اسلامی ایران، سوریه، عراق، افغانستان، ادامه دارد امروز در خاورمیانه گسترش بیشتری پیدا می‌کند. چه کسی می‌تواند ادعا کند که همه این‌ها اتفاقی بوده است و اروپا و آمریکا و عربستان سعودی و قطر و امارت و ترکیه در این برنامه‌ریزی بی‌تأثیر بوده باشند. تشکیلات نظامی و

سیاسی مجاهدین داعش که ارتش خود را از نقاط مختلف جهان ایجاد و تقویت می‌کند با سرمایه شیخ هائی وارد کارزار می‌شود که با دلار های نفتی در اروپا و امریکا سرمایه‌گذاری می‌کنند که با نفوذهای مالی خود می‌توانند در تصمیمات سیاسی این کشورها تأثیرگذار باشند.

آیا کشورهای مانند بریتانیای کبیر و ایالات متحده امریکا و فرانسه حق دارند یک زمانی در ایجاد وضعیت کنونی در خاورمیانه آنچنان فعال باشند که حاصلش این بلبشو و وضعیت بحرانی بشود و امروز همان دولت ها دست روی دست بگذارند تا آدم کشانی مانند داعش خون مردمان بی‌گناه را بر زمین بریزند و از خنثی کردن این نیروی ارتجاعی دوری بجویند.

بدون شک وظیفه شورای امنیت سازمان ملل می‌باشد که با احتیاط و مسئولیت‌پذیری در برابر این گروه غیرانسانی عمل کند تا جلوی کشتار احتمالی گرفته شود. نه تنها پناهندگان را از مرگ نجات دهند بلکه برای کمک به نیروهائی که مشغول مبارزه علیه شورش‌های و حمایت از غیر نظامیانی که در آنجا گیر افتاده‌اند دست به اقدامات هدمند بزنند.

باید به قدرتهای بزرگ جهانی به ویژه مسئولین سازمان ملل و طرفداران حقوق بشر گفت که حاصل این سیاست، اضمحلال و فروپاشی ارزشهای جهان‌شمول است پس ایجاد جبهه ای از تمامی نیروهای اجتماعی و سیاسی چپ و راست، زحمتکشان فکری و یدی و سرمایه داران صلح جو که طرفدار تشنج زدایی و صلح برای خاموش کردن آتش های افروخته شده و پیشگیری از جنگ های فاجعه باری که بشریت را با شتاب به سوی پرتگاه نابودی می برد، به فوریت در دستور کار قرار می‌گیرد.